

سید جلال فیاضی (مدیر مسئول و سر دبیر روزنامه قدس)

مهدویت؛

باشکوه‌ترین جلوه انتظار



اگر «انتظار» را زیبا ترین و مؤثر ترین شیوه انسان سازی و بالندگی و تعالی بشر بدانیم، مهدویت با شکوه‌ترین جلوه انتظار است.

اگر «انتظار دوست» منتظر برای تأمین خواسته‌های او بر می‌انگیزد، خانه مطابق سلیقه دوست آراسته می‌گردد و همه آنچه را که در علائق اوست فراهم می‌شود، «انتظار مهدی» که «عدالت» را در پهنه گیتی خواهد گستراند و «مستضعفان زمین» را به «وراثت ارض» ارتقاء خواهد بخشید و آنها را «امام» قرار خواهد داد - همه منتظران را به بستر سازی برای عدالت فرا می‌خواند، و خانه دل‌ها را، مطابق آنچه مهدی خواسته است آراسته می‌سازد؛ با عشق، صفا، معنویت، صداقت، ایثار، شجاعت، مهربانی، دوستی، ظلم ستیزی، محرومیت زدایی، عدالت محوری و...

و «مهدویت» مکتبی است که «انتظار عدالت» را در دل‌ها سرشار می‌سازد و بشریت را از باتلاق «ظلم» به سرزمین «عدل» رهنمون می‌گردد. اکنون باید به این پرسش پاسخ گفت که چه کنیم تا «فرهنگ مهدویت» در جامعه فراگیر گردد و قلب جوانان را تسخیر کند؟

به نظر می‌رسد نخست باید تاریخ زندگانی ائمه اطهار و مهدی موعود را، فارغ از هر گونه شائبه شبهه ساز، در قالب هنر - که هر اندیشه‌ای را جاودانه می‌سازد - در جامعه مطرح کنیم و به جد بکوشیم که از بیان آنچه می‌تواند واقعیت این تاریخ پرافتخار را در هاله‌ای از ابهام فرو برد پرهیز کنیم.

همچنین باید «مهدویت» را از پیرایه تحجر، تقدس مآبی و جمود فکری بزدانیم و آن را با امید، نشاط، پویایی و تطابق با زمان پیوند بزنیم.

تردیدی نباید داشت که در قیام جهانی قائم آل محمد علیهم‌السلام پیش از آن که «شمشیر عدالت» کارایی داشته باشد «اندیشه عدالت خواهی»، ظالمان را به حاشیه خواهد راند، اگر چه هرگاه شمشیر بکار آید از آن دریغ نخواهد گردید. چرا که «مهدی» - که خاتم الائمه است - بر سیره «محمد» - که خاتم النبیین است - گام خواهد نهاد و البته آنچه پیامبر را جهانگیر ساخت، منطق، اندیشه و تفکر الهی او بود که بر فطرت انسان‌ها نشست و قلب‌ها را تسخیر کرد و مرزها را در نور دید. البته شمشیر اسلام در برابر طغیان کنندگان و ظالمان همواره برنده بود.

در این میان و در دوران «جمهوری اسلام» کارگزاران نظام - که به آرزوی سپردن پرچم به دست منجی عالم بشریت مسؤلیت پذیرفته‌اند - باید کارآمدی نظام اسلامی را در حدی به نمایش گذارند تا شعله‌های عشق به حکومت جهانی مهدی را در دل کسانی که اکنون شاهد پرتوی از آن خورشید عدالت گستر هستند، شعله‌ور تر سازد.

«جمهوری اسلامی» با هر گام که به سوی «عدالت» بردارد و نابودی «فقر، فساد، تبعیض» را نشانه رود، دهها گام در جهت ترویج مهدویت برداشته است و دل‌های بیشتری را به سوی «عدالت گستر حقیقی هستی» متوجه ساخته است. «مهدویت» تبلور عظیم و باشکوه «انتظار» را بر بال «هنر» بر فراز گیتی بگسترانیم و با زدودن شائبه‌ها از آن، چون زلالی یک رود در جامعه‌ها سازیم و در تلاش علمی برای تحقق آرمانهای «مهدویت»، عشق به مهدی را در دل‌ها به عمق ایثار پیوند دهیم.

بعد از من فرزندانم حسن علیه‌السلام امام است و بعد از حسن علیه‌السلام فرزندش، همان قائمی است که عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد. (۱۲)

جرعه سیزدهم: امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمودند:

هر کس بمیرد و او (حضرت مهدی) را شناسد به مرگ زمان جاهلیت از دنیا رفته است. (۱۳)

جرعه چهاردهم: (ای شیعیان ما) امام مهدی حجة بن الحسن العسکری (عج) فرمودند: «اگر محبت شما را نداشتیم و صلاحتان را نمی‌دیدیم و به خاطر ترحم و شفقت بر شما نبود، گفت و گوی با شما را ترک می‌کردیم». (۱۴)

مولای من کلامت را می‌شنوم، می‌خوانم و جرعه جرعه آن را می‌نوشم. به این مرحله که می‌رسم خود را غرق تماشای نرگس‌ها می‌بینم و به یاد تنها گل نرجس، شب‌نم‌های اشکم بوسه بر گلبرگهای آن می‌زند و تمام وجودم فریاد می‌شود که:

الا ای مونس و آرام جانم

توان جسم و جان ناتوانم

اگر جایی ندارم در خور تو

بیا بنشین به روی دیدگانم (۱۵)

و سراسر دلم غرق تمنا می‌شود که:

اگر روزی ببینم روی ماهش

دمی افتد به روی من نگاهش

بیفتم روی پایش؛ همچو سرمه

کشم بر دیدگانم خاک راهش (۱۶)

و مولا، با کلام آسمانیش مرا می‌نوازد و من تا باورانه اما پر نشاط از کلامش دست به سمت آسمان می‌گشایم و از خدا می‌خواهم که سیمای آسمانیش را ببینم، با همه جانم یک صدا تمنا می‌کنم که:

«اللهم آرنی الطلعة الرّشیده» خدایا دیدگانم را به زیارت روی زیبایش ببر.

..... پی‌نوشت‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵.
۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۴۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۵۲.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۵۵.
۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.
۶. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
۷. همان، ص ۲۲۳.
۸. همان، ص ۱۴۰.
۹. همان، ص ۱۵۱.
۱۰. همان، ص ۱۵۶.
۱۱. همان، ص ۱۵۶.
۱۲. اثبات الهداة، ج ۶، ص ۲۷۵.
۱۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.
- ۱۵ و ۱۶. علی اصغر یونس‌یان (ملنجی)، نجوای